



اندیشمندان مسلمان و قرائت اسلامی از جهانی شدن

پدیدآورده (ها) : سجادی، سید عبدالقیوم
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: بازتاب اندیشه :: مهر 1381 - شماره 31
از 7 تا 13
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/38328>

دانلود شده توسط : ابوالحسین حیدری
تاریخ دانلود : 24/11/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور



اندیشمندان مسلمان و قرائت اسلامی از جهانی شدن

سید عبدالقیوم سجادی

پگاه حوزه، ش ۶۹



چکیده: در باب جهانی شدن دو دیدگاه وجود دارد که یکی آن را طرحی غربی می‌داند و دیگری آن را روندی طبیعی و تاریخی به شمار می‌آورد. در این مقاله به پنج دیدگاه از متفکران جهان اسلام اشاره شده است که هر کدام در یکی از دو دیدگاه پیش‌گفته جای می‌گیرند.

هرچند جهانی شدن از مقوله‌های مهم و مطرح در مجامع علمی و آکادمیک جهان اسلام است، تاکنون جهان اسلام پاسخی یکدست به این مقوله نداشته است. هرکدام از اندیشمندان مسلمان از زاویه‌های متفاوت به طرح و بررسی این مقوله پرداخته‌اند. در اینجا پاسخ‌های اسلامی به جهانی شدن را از منظر اندیشمندانی اسلامی، نظیر دکتر حنفی، ابوریع، برهان غلیون، دکتر نصر و دیگران، مرور خواهیم کرد:

۱. محمد ابراهیم ابوریع

پایان جنگ سرد به معنای پیروزی نهایی غرب و تثبیت نظام جهانی بر اساس نظم تک‌قطبی به شمار نمی‌آید. امروز مقاومت‌هایی در برابر سلطه همه جانبه غرب در اشکال گوناگون

سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی وجود دارد که از موفق نبودن نهایی برندگان جنگ سرد خبر می‌دهد. «جهانی شدن از این منظر چیزی بیش از توسعه اقتدارگرایانه منطق سرمایه‌داری در ابعاد مختلف حیات بشری نیست». «جهانی شدن به مفهوم گسترش منطق سرمایه‌داری» است. ابراهیم ابوریع که از محققان مسلمان و استاد حوزه مطالعات اسلامی - مسیحی است، ضمن تأکید بر ضرورت ارائه پاسخی اسلامی به جهانی شدن، روشن‌فکران مسلمان را به اتخاذ نگرش انتقادی نسبت به این مقوله فرا می‌خواند. ابوریع خود پاسخی سه مرحله‌ای در مقابل جهانی شدن مطرح می‌کند:

۱. بازسازی ابعاد تجویزی و تشریحی اسلام، با توجه به نفی اقتدارگرایی موجود در جهان اسلام. روشن‌فکران مسلمان می‌توانند با بازسازی شریعت اسلامی، روح مساوات‌طلبی و آزادی‌خواهی اسلامی را به جوامع مسلمان و جامعه بشری عرضه دارند.

۲. نگاه تاریخی به تحولات سیاسی، فلسفی، اجتماعی و اقتصادی غرب. نویسنده در اینجا، از منظری تاریخی، مشکل اسلام با جهانی شدن را تکرارگفتن رایج روابط اسلام و مدرنیته تلقی می‌کند.

۳. اصلاح سیستم آموزشی در جهان سوم، به ویژه کشورهای اسلامی. سیستم آموزشی در این کشورها کاملاً غیربومی و متناقض با فرهنگ اسلامی است؛ آموزش در این کشورها با هدف غربی‌سازی برنامه‌ریزی می‌شود و در اغلب این کشورها، سیستم آموزشی، بیشتر فرزندان، و نه توده‌ها، را تحت تربیت و آموزش می‌گیرد.

پیشنهاد ابوریع اصلاح آموزش و سیستم آموزشی در کشورهای اسلامی است؛ به گونه‌ای که نظام آموزشی، پیش از هر چیز، به تقویت فرهنگ اسلامی، فرهنگ‌سازی جدید در چارچوب باورهای دینی و ضرورت‌های عصر جدید بیندیشد. با تعمیق فرهنگ بومی، می‌توان از استحاله فرهنگ دینی در مواجهه با جهانی شدن فرهنگ سرمایه‌داری جلوگیری کرد.

به نظر ابوریع، پاسخ اسلامی به جهانی شدن نمی‌تواند یک پاسخ بیرونی باشد، بلکه مسلمانان با ورود در گردونه جهانی شدن، بهتر می‌توانند از موضع دینی با این پدیده مواجه گردند.

۲. دیدگاه دکتر نصر

در مباحث آقای نصر و دیگر همکاران، پرسش از نسبت اسلام و مدرنیته به پرسش از رابطه اسلام و جهانی شدن نیز می‌پردازد. دکتر نصر پاسخ اسلامی به تجدد را در دو مرحله مطرح می‌کند.

۱. شناخت غرب. ضرورت شناخت غرب از نظر دکتر نصر، نخستین و مهم‌ترین گام در

رویاری با تجدد است. «امواج آرا و ارزش های غربی همچنان بی وقفه، از طریق رسانه های جمعی و سایر طرق انتقال اطلاعات، به طرف جهان اسلام سرازیر است. اما آنچه موجود نیست، اطلاع درباره غرب و درک روشن اندیشه های فکری - فرهنگی غرب از نقطه نظر اسلامی است، و تنها چنین معرفتی می تواند ابزارهای ضروری برای مواجهه و مقابله با معارف غرب جدید و تدارک پاسخ اسلامی بدان را در اختیار مسلمانان قرار دهد.»

۲. تعمیق بینش دینی، تقویت و استحکام مبانی فکری، و تقویت ایمان دینی جوان مسلمان در برابر تعارضات و نقاط چالش آور غرب، مرحله دوم از پاسخی است که مورد تأکید و توجه دکتر نصر قرار می گیرد. در این راستا، تقویت ایمان دینی و استحکام اعتقاد جامعه اسلامی به مبانی دینی اهمیت جدی دارد.

۳. ماهاتیر محمد

«لازم نیست که جهانی شدن به معنای داشتن جهانی بدون مرز باشد؛ مرزها می توانند همچنان سر جای خود باقی بمانند و باید همچنان مورد احترام نیز باشند. اما با فن آوری مدرن، اطلاعات به همه اشکال خود می توانند بدون هیچ محدودیتی از مرزها بگذرد. اما مسلمانان می توانند نرم افزارها و حتی سخت افزارهایی بسازند که دست کم برخی از عناصر ناپاک را از این اطلاعات دور نگاه دارد.»

«زندگی، از هر جنبه ای مورد تاخت و تاز قرار خواهد گرفت، اذهان ما اشغال خواهد شد و حتی دین ما به اشغال در خواهد آمد.» اما مسلمانان در برابر چنین وضعیت خطیری چگونه می توانند رفتار نمایند؟ به نظر ماهاتیر محمد، مسلمانان باید بکوشند روند جهانی شدن را درک کنند و با این درک خود را آماده سازند که نه تنها خطرها را از خود دور نمایند، بلکه از روند جهانی شدن برای رسیدن به کشورهای توسعه یافته، هم در فن آوری اطلاعات و هم در توان صنعتی، بهره گیرند.

۴. دیدگاه دکتر حسن حنفی

به نظر حسن حنفی، جهانی شدن مقوله ای صرفاً نظری نیست، بلکه برخورد تاریخی میان مرکز و پیرامون، میان کشورهای ثروتمند و فقیر، میان استعمار و آزادی خواهی، میان سلطه جویی و استقلال، و بالاخره میان شمال و جنوب است. وی تأثیر رخدادهای تاریخی

بر شکل‌گیری فرآیند جهانی‌شدن را با استناد به این نکته روش‌شناختی (متدولوژیک) مستدل می‌نماید که «تئوری و نظریه‌ای محض، بدون آن‌که فعل سیاسی و حرکت تاریخ‌جزیی از عوامل تشکیل‌دهنده آن باشد، وجود ندارد». بنابراین به نظر دکتر حنفی، جهانی‌شدن مقوله‌ای جدید نیست، بلکه یکی از اشکال جدید سلطه و برتری‌طلبی نظام جهانی است. ایشان، در جای دیگر، جهانی‌شدن را مساوی با اروپایی‌شدن عنوان می‌کند. حنفی جهانی‌شدن را یک فرآیند فراگیر و همه‌بُعدی می‌داند که با آثار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و هویتی همراه است: در بُعد اقتصادی، توسعه تجارت آزاد و دست‌یابی به بازارهای جهان سوم و تأمین مواد خام نفتی و غیرنفتی از این کشورها مورد توجه است؛ در بُعد سیاسی، مهم‌ترین هدف جهانی‌شدن، ترویج لیبرالیسم سیاسی است؛ اما در این میان به نظر حنفی، بُعد هویتی جهانی‌شدن اهمیت جدی‌تری دارد. به نظر حنفی، از آنجاکه فرهنگ مربوط به تمدن، زبان و قوم تاریخ‌کشورهاست، از یک فرهنگ عام و جهانی و فراگیر نمی‌توان یاد کرد. بنابراین جهانی‌شدن فرهنگ، به مفهوم حاکمیت یک فرهنگ خاص بر جوامع بشری، در عمل ممکن نخواهد بود.

آقای حنفی بر استراتژی دفاع از هویت محلی و فرهنگ دینی در برابر فرهنگ غربی به عنوان مظلوف جهانی‌شدن تأکید می‌کند. ولی معتقد است دفاع از فرهنگ و هویت خودی در برابر جهانی‌شدن، نبایستی به مفهوم رفض و نفی مطلق جهانی‌شدن تلقی گردد؛ زیرا این امر به قول حنفی، تصحیح خطا به خطاست. نویسنده در ادامه، استراتژی دفاع از هویت محلی و فرهنگ خودی را به صورت تدریجی در سه مرحله مطرح می‌کند:

۱. بازگشت به سنت‌های فرهنگی؛ به گونه‌ای که این سنت‌های فرهنگی از منظر ضرورت‌های جدید بازخوانی گردند و مواردی که با تحولات زمانه و نیازمندی‌های عصر ناسازگار است، تصحیح شود. به قول نویسنده، «تراث قدیم» راهنمای اساسی برای فرهنگ بومی است.

۲. دفاع از هویت فرهنگی از طریق کاهش اتکای بر غرب و تقویت خودباوری. اگر در فرهنگ جهانی‌شدن، تکثر، تنوع، آزادی اعتقادی و فرهنگی وجود دارد، خود فرهنگ مسلط نیز می‌بایستی به نقض خود برآید؛ زیرا او خود ناقض اصولی است که آن‌ها را تبلیغ می‌کند.

۳. تعامل دوسویه فرهنگ بومی با فرهنگ مسلط. مشکل اساسی نظریه حنفی این است که تعریف خاصی از جهانی‌شدن ارائه نمی‌دهد. تلقی وی از جهانی‌شدن، کلیه ویژگی‌هایی را که

بازتاب اندیشه ۳۱

اندیشمندان
مسلمان و قرائت
اسلامی از
جهانی‌شدن

در تفسیرها و رویکردهای مختلف برای جهانی شدن بیان شده، دربرمی‌گیرد. او معتقد است جهانی شدن یعنی توسعه و گسترش اقتصاد آزاد؛ جهانی شدن یعنی سیطره مرکز بر عالم؛ جهانی شدن جدالی تاریخی است، و بالاخره جهانی شدن عنوانی است برای حرکت سیطره طلبانه آمریکا یعنی فروکاستن دنیا به دهکده واحد.

۵. برهان غلیون

به نظر برهان غلیون جهانی شدن عبارت است از مرحله جدیدی از نظم جهانی که یک ویژگی اساسی دارد و آن انتقال علوم و سرعت انتقال است؛ به گونه‌ای که گویی همگان در جهان واحد و جامعه واحد زندگی می‌کنند. بنابراین فشرده شدن زمان و مکان، از ویژگی‌های جهانی شدن است که در اثر آن، هر نظر یا عملی به سرعت در تمام جهان منتشر می‌شود و بر دیگر ملت‌ها تأثیر می‌گذارد یا از آنها تأثیر می‌پذیرد.

هرچند غلیون همانند برخی نویسندگان دیگر، مبنای اصلی و تکیه‌گاه مهم جهانی شدن را اقتصاد و حوزه تجارت جهانی می‌داند، اما همچنان به اهمیت جهانی شدن سیاست و فرهنگ توجه می‌کند. بنابراین وی در مورد جهانی شدن فرهنگ، عقیده دارد که جهانی شدن مربوط به انقلاب دانش و فن‌آوری ارتباطی است، و در راستای سیطره جماعتی بر دیگر جوامع عمل می‌کند. در نهایت، غلیون جهانی شدن را هرچند پدیده‌ای تاریخی می‌داند، اما منشأ و خاستگاه آن را به نظام سرمایه‌داری پیوند می‌زند.

وی معتقد است فرهنگ عربی و اسلامی باید از طریق همراهی مشروط با جهانی شدن، به بدیل‌سازی فرهنگی در درون آن پردازد و این امر هم اکنون باید اجرا شود و آن‌گونه که برخی می‌اندیشند، نباید تالحت‌های آن که خلاصی و رهایی از هیمنه دولتی فرارسد و زمینه‌های تغییر پدید آید، صبر کنیم. این زمینه‌ها را بایستی از طریق ورود در گردونه جهانی شدن فراهم ساخت.

جهانی شدن نتیجه و محصول تطورات گوناگون تاریخی است. بنابراین استراتژی مقابله با آن - که جهانی شدن را نه یک فرآیند تاریخی بلکه محصول تلاش غرب برای سیطره بر نظام جهانی شدن می‌داند - دچار اشتباه تحلیلی و نظری است. به نظر او، جهانی شدن کاملاً یک پدیده منفی و زیان‌بار نیست، بلکه در برخی ابعاد، افق‌های جدیدی را برای جوامع بشری می‌گشاید؛ هرچند از برخی جهات نیز تهدیدهایی را ایجاد می‌کند. در این دیدگاه، درک تناقض‌های درونی جهانی شدن و آشکار ساختن جنبه‌های منفی و زیان‌بار آن و در نهایت،

تفکیک فرصت‌های برآمده از محذورات، و تهدیدهای مبتنی بر آن، می‌تواند در برخورد منطقی و کارآمد با این مقوله کارآمد و مفید باشد. وی جهانی شدن را در این چارچوب مطالعه می‌کند؛ هرچند خود اذعان می‌کند که به دلیل هژمونیک شدن فرهنگ لیبرالیسم و کاستی‌های نظری فرهنگ عربی-اسلامی، این امر با دشواری‌های جدی روبه‌رو است.

● اشاره

۱. از میان دیدگاه‌های ارائه‌شده در این مقاله، به نظر می‌رسد دیدگاه دکتر حسن حنفی مصری از همه واقع‌گرایانه‌تر و به صلاح جهان اسلام نزدیک‌تر باشد. وی از سوی، بر تلاش در استفاده از فرصت‌های برآمده از جهانی شدن تأکید دارد و از سوی دیگر، بر مقاومت در برابر چالش‌های هویتی ناشی از آن پافشاری می‌کند. این دیدگاه نوعی تلفیق از دو استراتژی منفی مطلق و همراهی مطلق است.

به دلیل پیچیدگی فوق‌العاده پدیده جهانی شدن، یا به عبارت دقیق‌تر، جهانی‌سازی، و تشکیل یافتن از ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، نمی‌توان تعریفی ساده و بسیط از آن ارائه کرد. به همین دلیل، انتقاد نویسنده از حسن حنفی که می‌گوید وی صرفاً همه ویژگی‌های مثبت و منفی جهانی شدن را بیان می‌کند و از این رو، تحلیل‌هایش وضوح چندانی ندارد، چندان به‌جا نیست. ذات جهانی‌سازی پدیده‌ای پیچیده است که تعریفی بسیط را برنمی‌تابد.

۲. اما در هر حال، نباید از نظر دور داشت که جهانی‌سازی پدیده‌ای انسانی و برنامه‌ریزی شده است که با تبلیغات گسترده جهان لیبرال، صورتی طبیعی بر آن پوشانده می‌شود، در قالب یک روند تاریخی به نمایش در می‌آید و برای روشن‌فکران جهان سوم به صورت یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر جلوه داده می‌شود، تا هرگونه مقاومتی را از آنان بگیرد و اندیشه آنان را تنها در چگونگی همراهی با آن و بهره‌گیری از فرصت‌های آن به‌کار اندازد. آن‌قدر جهانی شدن را تبلیغ می‌کنند که ناخودآگاه به صورت زمینه حتمی تاریخی، گریزناپذیر درآید و هیچ‌کس در اصل آن تردید نکند.

۳. جهان اسلام، با بیش از یک میلیارد جمعیت، با آموزه‌های دینی مستحکم و روشن و دستورهای قرآنی ظلم‌ستیز و هشدارهایی در پرهیز از پذیرش سلطه و دوستی یهود و نصارا، همچنین با برخورداری از توده‌هایی انقلابی و جهادگر، ثروت طبیعی نفت و دیگر معادن غنی، تعداد آرای زیاد در مجامع بین‌المللی، امکان رسیدن به همسویی و همدلی در جریان‌هایی مانند فلسطین و ده‌ها مسئله دیگر، قابلیت ایستادگی در برابر موج جهانی‌سازی لیبرالیسم را دارد. آنچه لازم است بیداری، شناخت این قابلیت‌ها، آگاهی از روند برنامه‌ریزی شده جهانی‌سازی، خودباوری دینی، اراده بازگشت به هویت دینی

بازتاب اندیشه ۳۱

۱۲

اندیشمندان
مسلمان و قرائت
اسلامی از
جهانی‌شدن

خویش، جرئت و شهامت مبارزه، فریفته نشدن به تبلیغات رسانه‌های غربی و... است. نخست باید روشن‌فکران جهان اسلام، به خوبی، روشن و بیدار گردند؛ سپس با جهاد علمی و فرهنگی، خود ملت‌ها را در برابر این موج مصنوعی به مقاومت فراخوانند. طرح چنین ایده‌هایی می‌تواند از یک کشور و یک جمع علمی آغاز گردد و با پشتکار و پیگیری مداوم همه دولت‌مردان و اهل فرهنگ و سیاست، به دیگر کشورهای اسلامی نیز کشیده شود. امروز، با آشکار شدن بیشتر دشمنی آمریکا با جهان اسلام، این امر زمینه‌های آماده‌تری در جهان اسلام دارد.

۴. با آنچه ذکر شد، نادرستی دیدگاه اندیشمندانی همچون برهان غلیون، که جهانی‌شدن را پدیده‌ای طبیعی و تاریخی می‌دانند، آشکار می‌شود؛ دست‌کم احتمال بطلان آن تقویت می‌گردد.

همچنین دیدگاه انتقادی ماهاتیر محمد نسبت به جهانی‌شدن، به نظر کافی نمی‌رسد. وی می‌گوید: «لازم نیست که جهانی‌شدن به معنای داشتن جهانی بدون مرز باشد؛ مرزها می‌توانند همچنان سر جای خود باقی بمانند و باید همچنان مورد احترام باشند، اما با فن‌آوری مدرن، اطلاعات به همه اشکال خود، می‌تواند بدون هیچ محدودیتی از مرزها بگذرد. اما مسلمانان می‌توانند نرم‌افزارها و حتی سخت‌افزارهایی بسازند که دست‌کم برخی از عناصر ناپاک از این اطلاعات را دور نگاه دارد». آنچه ماهاتیر محمد می‌گوید آرمانی است که در حال حاضر دست‌یافتنی نیست و اگر با این رویکرد به مسئله بنگریم، ممکن است دچار توهم کم‌دیدن قدرت دشمن و زیاددیدن قدرت فن‌آوری خود گردیم. در حال حاضر، فن‌آوری اطلاعات، کاملاً در اختیار غربی‌ها، به ویژه آمریکاییان است. شبکه جهانی اینترنت، ابزاری در جهت راه‌یابی تولیدکنندگان به پستوهای اطلاعاتی همه جهان است. برای ایجاد سد بر سر راه تولیدکنندگان آمریکا به پیشرفتی فنی در سخت‌افزار و نرم‌افزار نیاز است که در حال حاضر، چنین امکانی برای جهان اسلام وجود ندارد.